

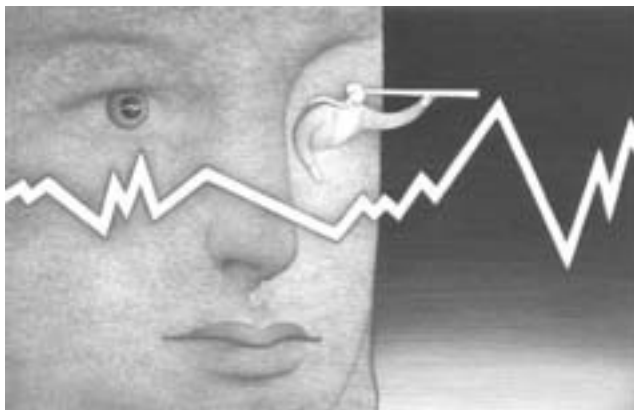
گزارش کارشناسی

تحلیلی بر نرخ تورم

از: دکتر محمود جامساز

بودن آمارها امری طبیعی جلوه می‌کند و فی‌الواقع، تنها آمارهایی مورد پذیرش جامعه قرار می‌گیرند که از مشخصه‌های معنی‌دار و توجیه‌پذیری برخوردار باشند در غیر این صورت، مشتی ارقام بی‌اعتبار هستند که اعتماد جامعه را نسبت به منابع منتشرکننده آن تضعیف می‌کنند. بر این اساس، آمارهای اعلامی همواره باید وقوعات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... جامعه را به درستی توجیه‌نمایند و مبنای صحیحی را برای تصمیم‌سازی‌های آینده کشور پدید آورند.

در این مقال، قصد زیر سوال بردن محاسبات بانک مرکزی در مورد نرخ تورم نیست چرا که قطعاً محاسبات به روش‌هایی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی نظیر روش لاسپیرز و یا پاشه صورت می‌گیرد. اما به نظر می‌رسد داده‌های ورودی به سیستم محاسبه که منتج به خروجی تورم ۱۰/۹ درصد شده است، شایسته تجدیدنظر کلی است زیرا وزن کالاها و نوع مصارف در سبد مصرفی جوامع مختلف متفاوتست. بر این اساس، توصیه‌های بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول در خصوص تعداد و اوزان اقلام در سبد مصرفی باید در کشورهای مختلف با توجه به نوع و فراوانی مصرف، مورد مطالعه و ارزیابی دقیق قرار گیرد. به طور مثال، وزن اجاره مسکن در اروپا حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد درآمد یک خانوار را تشکیل می‌دهد، در حالی که در کشور ما سهم هزینه مسکن در سبد مصرفی به رقم غیرقابل توجیه ۶۰ تا ۷۰ درصد می‌رسد و لذا ۳۰ درصد افزایش سالیانه در بهای اجاره مسکن خود به خود ۱۸ تا ۲۱ درصد تورم را از این بابت بر جامعه تحمیل می‌کند. لذا هر چه



تنها طبقات مرفه متعلق به دو یا سه دهک بالای هرم درآمدی جامعه، که از مازاد درآمد بر مصرف برخوردارند و در بازار تورمی از طریق دلالی و سوداگری و احتکار به سودهای هنگفتی دست می‌یابند، همواره از وضع موجود و رشد افسارگسیخته قیمت‌ها استقبال کرده و به ستایش سیاست‌های انبساطی دولت می‌پردازند.

قرار است، منظور شود- نیست، به تحلیل می‌رود. آنان به تجربه دریافته‌اند که هر ماه اقلامی از سبد مصرفی آنان کاسته می‌شود لذا گرانی را در زندگی روزمره خود به شدت احساس کرده و کاهش نرخ تورم اعلامی از سوی دولت را با شگفتی تلقی می‌کنند. علی‌ایحال، از آنجایی که آمارها منعکس‌کننده وضعیت کمی پدیده‌های اقتصادی سیاسی، اجتماعی و... و نشان‌دهنده عملکرد سیاست‌های جاری مدیریت کشور است لذا ظهور حساسیت نسبت به معنی‌دار

براساس گزارش اخیر اداره کل آمار اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نرخ تورم یا به عبارت دیگر، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در دوره ۱۲ ماهه منتهی به پایان شهریور ماه ۸۵ به میزان ۱۰/۹ درصد اعلام شده که در قیاس با نرخ تورم در دوره مشابه سال قبل که ۱۴/۶ درصد بوده است، حدود ۳/۷ واحد درصد کاهش نشان می‌دهد.

گرچه آمار اعلام شده بیانگر آنست که منحنی رشد تورم با شیب ملایم‌تری نسبت به گذشته در حال صعود است اما متأسفانه موج گرانی‌های اخیر حساسیت‌های شدیدی را در میان اقشار مختلف جامعه به ویژه طبقات آسیب‌پذیر و حقوق‌بگیر و صاحبان درآمدهای ثابت برانگیخته و برخی از مجلس‌مردان و دولت‌مردان را به واکنش واداشته و در نتیجه، احاد مردم را نسبت به پذیرش صحت و سقم آمارهای اعلامی بانک مرکزی مردد ساخته است.

در این میان، تنها طبقات مرفه متعلق به دو یا سه دهک بالای هرم درآمدی جامعه، که از مازاد درآمد بر مصرف برخوردارند و در بازار تورمی از طریق دلالی و سوداگری و احتکار به سودهای هنگفتی دست می‌یابند، همواره از وضع موجود و رشد افسارگسیخته قیمت‌ها استقبال کرده و به ستایش سیاست‌های انبساطی دولت می‌پردازند. اما صاحبان درآمدهای ثابت که طبقات و اقشار فرودست جامعه را دربر دارند، به واقع مورد اجحاف قرار می‌گیرند زیرا قدرت خرید آنان روز به روز در قبال تهیه و تدارک اقلام سبد مصرفی خود که قطعاً تعداد آن ۳۱۰ قلم- و یا ۳۸۵ قلم کالا که اخیراً در محاسبات تورم

داده‌های ورودی به سیستم محاسباتی بیشتر با سبد واقعی مصرف اکثریت جامعه منطبق شود، خروجی آن نیز بیشتر مقرون به صحت خواهد بود.

بر این اساس، لازمست علاوه بر محاسبه نرخ تورم ضمنی که کلیه کالاها و خدمات مصرفی موجود در کشور را شامل می‌شود و برای مقاصد مدیریت کلان کشور مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، باید شاخص بهای کالاهای مصرفی که در سبد مصرف همگانی مشترک است نیز محاسبه شود.

به نظر می‌رسد داده‌های ورودی به سیستم محاسبه که منتج به خروجی تورم ۹/۱۰ درصد شده است، شایسته تجدیدنظر کلی است زیرا وزن کالاها و نوع مصارف در سبد مصرفی جوامع مختلف متفاوتست.

بدین منظور باید بدو سبد مصرفی متعارف اکثریت آحاد جامعه نیز به درستی تعریف شود و اقلامی که فراوانی آنها در سبد مصرفی همگان وجود دارد، در آن سبد جای گیرد. بدین ترتیب، بسیاری از اقلام موجود در سبد مصرفی مورد محاسبه کنونی که ۳۱۰ قلم است، تعدیل خواهند شد، بدین مفهوم که کالاهایی با بیشترین فراوانی در گروه‌های مختلف خوراک، پوشاک، بهداشت، ایاب و ذهاب و ... باقی خواهند ماند و بالطبع، آندسته از کالاهایی که بود و نبودشان در گروه‌های مصرف حساسیتی را بر نمی‌انگیزد، از گروه‌های مختلف کالایی از سبد مصرف جامعه حذف خواهند شد. بدین ترتیب، محاسبه شاخص بهای مصرف‌کننده به سبد مصرفی متعارف جامعه در شکل یاد شده محدود می‌شود و تصویر روشن‌تری

را از قدرت خرید واقعی روزمره آحاد جامعه به نمایش می‌گذارد.

با این حال، اعلام نرخ تورم هنگامی مصداق دارد که همزمان سیاست‌های ضد تورمی نیز در کنار آن دیده شود. متأسفانه ابزارهای سیاست پولی بانک مرکزی در کنترل تورم بسیار محدود است اما از آنجایی که منشا بروز و رشد تورم در کشور ما معطوف به رشد مخارج بودجه عمومی کشور- به موازات افزایش درآمدهای نفتی- و به تبع آن رشد نقدینگی است، لذا دولت و مجلس باید در محدود کردن مخارج و مصارف بودجه عمومی دولت و جلوگیری از بروز کسر بودجه به طور جدی اهتمام کنند تا رشد نقدینگی کاهش یابد.

لازم به ذکر است که رشد نقدینگی در پایان سال ۸۴، حدود ۳۴ درصد بوده و هم‌اکنون حجم نقدینگی از مرز یکصد و پنج هزار میلیارد تومان عبور کرده است. این در حالیست که نه تنها اقدام موثری در جذب نقدینگی و هدایت آن به سوی سرمایه‌گذاری‌های مولد صورت نگرفته بلکه مقادیر معتناهی از آن در امور مالی، سوداگری و غیرتولیدی به کار افتاده که خود فرایندی تورم زاست.

حال با قرار دادن شاخص رشد نقدینگی در کنار شاخص‌های دیگر نظیر: رشد تولید ناخالص داخلی به میزان پنج درصد- افزایش واردات به میزان ۱۵ درصد- رشد ۴۵ درصدی اعتبارات عمرانی در بودجه سال جاری نسبت به بودجه سال ۸۴- وابستگی ۱۴ هزار میلیارد تومانی بودجه جاری سال ۸۵ به نفت که ۴۴۰۰ میلیارد تومان بیش از وابستگی بودجه ۸۴ به نفت است- برداشت‌های مکرر از حساب ذخیره ارزی که به گزارش خبرگزاری مهر، تنها در چهار ماهه ابتدای سال جاری ۳۵۵ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد داشته است، باید بپذیریم که ارتباط معنی‌دار مجموعه شاخص‌های فوق با یکدیگر منطقاً کاهش رشد تورم را توجیه نمی‌کنند. برآوردهای مختلفی که از سوی برخی منابع خارجی از

جمله صندوق بین‌المللی پول و شبکه بی‌بی‌سی اعلام گردید نیز نرخ تورم واقعی در ایران را به ترتیب ۱۴ و ۱۶ درصد اعلام کرده‌اند.^(۱)

اینک این نگرانی وجود دارد که پایین‌تر بودن نرخ تورم اعلامی از نرخ تورم واقعی، عزم جدی دولت را در به اجرا گذاردن راهکارهای موثر ضد تورمی سست نماید. فی‌الواقع، سیاست‌گذاری‌های مالی اخیر دولت درخصوص ترجیح عملی سیاست‌های توزیعی بر سیاست‌های تولیدی، برداشتهای

مه‌ار قیمت‌ها اگر از طریق واردات صورت گیرد، گرچه رضایت موقتی جامعه را در پی دارد اما آثار خطرناکی بر تولید کشور به جای خواهد گذارد و بسیاری از تولیدکنندگان را به ورشکستگی و توقف سوق خواهد داد.

مکرر از حساب ذخیره ارزی و افزایش واردات کالاهای مصرفی نیز این گمان را تقویت می‌کند. گرچه دولت حاضر، با تبعیت از سیاست‌های تثبیت- که در ابتدای سال گذشته از سوی مجلس هفتم مطرح و با نارضایتی دولت وقت به تصویب رسید- انتظار داشت که با ثابت نگاهداشتن قیمت چند قلم کالای اساسی که خود متولی تولید آنست، رشد فزاینده سطح عمومی قیمت‌ها مهار شود، اما متأسفانه چنین نشد زیرا نباید فراموش کرد که اگر سیاست‌های تثبیت در معدودی از کشورها از جمله مکزیک نتیجه داده، با مجموعه‌ای از سیاست‌های تکمیلی ضد تورمی همراه بوده است. لذا باید متقاعد شد که تنها با عدم تغییر قیمت چند کالای دولتی نمی‌توان بر روند رشد سطح عمومی قیمت‌ها فائق آمد.

فروش ثروت‌های ملی به دست می‌آید، باید صرف ایجاد توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی و سرمایه‌گذاری‌های مولد در کشور شود. حساب ذخیره ارزی اینگونه تاسیس نشده است که هرگاه و به هر دلیل اراده کنیم، برای مصارف جاری از آن برداشت نماییم. باید بپذیریم که نباید منطق اقتصادی و سعادت و رفاه آتی جامعه را فدای خشنودی موقتی و زودگذر مردم نمود تا در یک دوره تصدی محدود حاکمان، به رفاه موقت دست یابند. زیرا جبران عواقب ناشی از تمسک به سیاست‌های رضایت‌بخشی‌های ناپایدار که محور سیاست‌های پوپولیستی است، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی بسیاری را بر جامعه تحمیل خواهد کرد.

زیرنویس

(۱) روزنامه سرمایه ۸۵/۷/۱۸ - جدال

سیاسی با گرانی



نظیر میوه در ماه‌های اخیر که با هدف تنظیم بازار و رفع کمبودها صورت گرفته، کاستی‌های عرضه را جبران نموده و دست واسطه‌ها و احتکارگران را از ایجاد اختلال در بازار کوتاه کرده اما باید اذعان داشت که هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی زیادی را بر جامعه تحمیل کرده است که اهم آن افزایش سطح توقعات جامعه، رشد مصرف‌گرایی، هزینه شدن منابع ارزی کشور در امور غیرتولیدی بی‌بازده، تضعیف بخش تولید داخلی و از دست رفتن فرصت‌های شغلی است. در حالی که کاهش سهم میوه در سبد مصرفی خانوارها را می‌توان با روش‌های فرهنگی موثر و تحریک تحمل‌پذیری آحاد جامعه، از سطح یک چالش به یک فرصت برای نیل به اهداف والاتری که از طریق هدایت منابع به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد محقق می‌شود، تبدیل نمود.

ناگفته پیداست که در کشور در حال توسعه‌ای نظیر ایران، منابع ارزی که از

از طرفی، مهار قیمت‌ها اگر از طریق واردات صورت گیرد، گرچه رضایت موقتی جامعه را در پی دارد اما آثار خطرناکی بر تولید کشور به جای خواهد گذارد و بسیاری از تولیدکنندگان را به ورشکستگی و توقف سوق خواهد داد. ضمن آنکه رشد واردات، افزایش توقعات مصرفی جامعه، کاهش قدرت تحمل اقشار مردم را در قبال کمبودهای ناگهانی ناشی از اختلال در عرضه، در پی دارد.

قطعاً مسن‌ترها به یاد دارند که در زمان تصدی نخست وزیری هویدا بهای نارنگی به یکباره به کیلویی ۲۵ تومان افزایش یافت و موجی از نارضایتی را از این بابت برانگیخت. هویدا از رسانه‌ها مردم را به خویشتن‌داری و تحریم خرید نارنگی دعوت کرد، طولی نکشید که بهای نارنگی به قیمت متعارف آن زمان یعنی کیلویی پنج تومان تنزل کرد. اما در حال حاضر، گرچه سیاست‌های توزیعی دولت و افزایش واردات کالاهای مصرفی

تسلیت

جناب آقای محمد رضا بهرامن
عضو محترم هیات نمایندگان اتاق ایران

با نهایت تاسف و تأثر درگذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد منان برای آن مرحومه علو درجات و برای خانواده و سایر بازماندگان محترم صبر جمیل مسالت می‌نماییم.

تسلیت

جناب آقای رضا نوزاد
سرپرست محترم واحد تدارکات اتاق ایران

با نهایت تاسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و از حق تعالی برای بازماندگان اجر و صبر و برای آن مرحوم غفران الهی مسالت می‌نماییم.

روابط عمومی و انتشارات اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران